اقتصادكشاورزي و توسعه، سال سيزدهم، شماره 50، تابستان 1384

زمينه‌يابي تشكيل صندوقهاي اعتباري روستايي شرق استان تهران

شهرام مقدس فريماني*

چكيده

راه‌اندازي صندوقهاي اعتباري روستايي در دو دهه اخير در اغلب كشورهاي جهان و بويژه كشورهاي جهان سوم، راهي در تأمين سرمايه و اعتبار مورد نياز كشاورزان و توليدكنندگان روستايي بوده‌است. براي تشكيل و توسعه اين صندوقها در هر جامعه‌اي شناخت زمينه‌هاي اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي و تمايلات روستاييان از جمله ضرورتهايي است كه انجام دادن مطالعات علمي را ايجاب مي‌كند. لذا اين تحقيق با هدف زمينه‌يابي تشكيل صندوقهاي اعتباري روستايي براي تأمين و ارائه خدمات مالي و اعتباري مورد نياز توليدكنندگان روستايي و به روش پيمايشي در نيمه اول سال 1383انجام شد. جامعه آماري تحقيق شامل كليه روستاييان مناطق هم اقليم كشاورزی (مناطق شرقی) استان تهران بود كه با روش نمونه‌گيري تصادفي و طبق جدول مورگان انتخاب شدند. گردآوري داده‌ها از طريق

* پژوهشگر سازمان تحقيقات و آموزش كشاورزي وزارت جهادكشاورزي
e-mail: shmfarimani@yahoo.com

مصاحبه حضوری با 125 روستايي در شهرستانهاي فيروزكوه، دماوند، ري، پاكدشت، اسلامشهر و تكميل پرسشنامه صورت گرفت.

يافته‌هاي تحقيق نشان داد كه ميانگين فاصله محل سكونت پاسخگويان تا شهر حدود 19 كيلومتر است و پاسخگويان از ميانگين سني 40 سال برخوردارند و عمدتاً به دامداري و زراعت مشغولند. ميانگين‌درآمدماهانه و سالانه پاسخگويان نيز به ترتيب حدود 177هزار تومان و2/388 ميليون تومان است، گرچه اكثريت پاسخگويان اين درآمد را براي رفع نيازهاي زندگي مكفي نمي‌دانستند. همچنين بيشتر پاسخگويان اعلام كردند پس‌انداز ماهانه و سالانه‌اي ندارند و آنهايی هم كه دارند از آن براي سرمايه‌گذاري در فعاليتهاي توليدی و كشاورزي و گذران زندگي استفاده مي‌كنند. اكثر پاسخگويان در صورت نياز به پول ابتدا به بانكها و صندوقهاي قرض الحسنه و سپس به اقوام و آشنايان مراجعه مي‌نمايند.

از نظر پاسخگويان صندوقهاي مالي و اعتباري موجود در منطقه در زمينه ميزان حق عضويت دريافتي، ميزان وام اعطايي در سال، نحوه بازپرداخت وام، تعداد وام پرداختي به اعضا و نحوه نظارت و مديريت بر مؤسسات مالي و اعتباري نسبتاً خوب عمل كرده اند. پاسخگويان معتقدند صندوقهاي اعتباري روستايي بايد بتوانند تا سقف 500 هزار تومان وام به آنها اعطا كنند و نرخ سود يا بهره آن نيز نبايد بيشتر از 16 درصد باشد. همچنين حق عضويت دريافتي نيز بايد در حد توان آنها و دريافت وثيقه به صورت سفته و يا ضامن باشد. از نظر پاسخگويان عواملي همچون كمك مالي دولت به تشكيل صندوق اعتباري، نحوه مديريت صندوق ، ايجاد اعتماد در اعضا نسبت به مسئولان صندوق و فراهم كردن شرايط بازپرداخت بموقع وامهاي دريافتي از جمله عوامل مؤثر بر استمرار فعاليتهای صندوقهای اعتباری محلی هستند.

كليد واژه ها:

وام، اعتبار، صندوق اعتباري، زمينه‌يابي

مقدمه

كشاورزي يكي از مهمترين زمينه‌هاي توليد مواد غذايي و كسب درآمد براي هرجامعه است. توليد در كشاورزي مستلزم وجود نهاده‌ها و عواملي همچون زمين، آب، ماشين‌آلات، بذر، كود، سم و مانند اينهاست. اين عوامل را هنگامي مي‌توان تهيه كرد و مورد استفاده قرار داد كه سرمايه و پول كافي در اختيار باشد. به عبارت ديگر سرمايه يا اعتبار از مؤلفه‌هايي‌است كه كشاورزان و توليدكنندگان روستايي براي كشت و كار و توليد محصول به آن نيازمندند و در نتيجه، نقش انكارناپذيري در استمرار و توسعه فرايند توليد و فراوري و فروش محصولات كشاورزي دارند.

كشاورزان و توليدكنندگان محصولات كشاورزي براي تأمين سرمايه و اعتبار مورد نياز خود در توليد محصول به روشهاي گوناگوني از جمله استفاده از پس انداز شخصي و دريافت وام و تسهيلات از منابع اعتباري (نظير بانكها و مؤسسات و صندوقهاي اعتباري) عمل مي‌كنند. البته روشها و منابع ديگري نيز در تأمين اعتبار وجود دارد كه در شرايطي كه كشاورزان نتوانند از منابع پيشگفته سرمايه مورد نياز خود را تأمين كنند به آنها مراجعه مي‌كنند. اين منابع تأمين اعتبار، بخش غير رسمي ناميده مي‌شوند كه در شرايطي نابرابر و با نرخ بهره‌اي بسيار بالا، وام يا اعتبار مورد نياز كشاورز يا توليد كننده روستايي را در اختيار او قرار مي‌دهد. اين گروه از تأمين كنندگان اعتبار سرمايه مورد نياز را به راحتي و سهولت در اختيار كشاورزان و توليدكنندگان روستايي قرار مي‌دهند ولي با اعمال شرايط نابرابر و دريافت بهره‌هاي سنگين عملاً عرصه را بر كشاورزان و توليدكنندگان روستايي تنگ و آنان را با مشكلات عديده‌اي مواجه مي‌كنند.

راه اندازي صندوقهاي اعتباري روستايي در دو دهه اخير در اغلب كشورهاي جهان و بخصوص كشورهاي جهان سوم، راهي در تأمين سرمايه و اعتبار مورد نياز كشاورزان و توليدكنندگان روستايي بوده است. در كشور ما نيز تشكيل و توسعه صندوقهاي اعتبار روستايي از چند سال پيش آغاز شده و روند رو به رشدي را در پيش گرفته است؛ چراكه

اين صندوقها با جمع‌آوري سرمايه‌هاي اندک کشاورزان و توليدکنندگان، از جمله منابع مهمي تلقي مي‌شوند که علاوه بر ايجاد روحيه مشارکت و تعاون در سطح روستاها، در برآوردن نيازهاي مالي و توسعه فعاليتهاي توليدي اعضا نيز نقش دارند. تجارب موفق و ناکاميهاي موجود در راه تشکيل و توسعه صندوقهاي محلي، برنامه‌ريزان را ترغيب به بررسي الگوهاي موفق و ناموفق و تجربه‌اندوزي جهت راه‌اندازي صندوقهاي اعتباري کارامد و تضمين استمرار فعاليت آنها کرده است.

براي تشکيل و توسعه صندوقهاي اعتباري روستايي در هر جامعه‌اي، شناخت زمينه‌هاي اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي و تمايلات روستاييان از جمله ضرورتهايي است که انجام دادن بررسيها و تحقيقات علمي را ايجاب مي‌کند. اين تحقيق نيز به دنبال آن است تا با شناخت زمينه‌هاي ايجاد صندوق اعتبار روستايي از طريق بررسيهاي علمي در نواحی روستايي مناطق هم اقليم کشاورزی استان تهران (مناطق شرقی استان تهران)[1]، برنامه‌ريزان و متوليان امر را در اين خصوص ياري کند. بر اين اساس مي توان گفت تشکيل صندوق اعتبار روستايي با اتکا به نتايج به دست آمده از اين پژوهش و پژوهشهاي مشابه،دستيابي به هدفهاي تعيين شده براي اين گونه تشکلها را تسهيل و تسريع خواهد کرد.

طرح مسئله

به نظر اغلب صاحبنظران، کمبود سرمايه در بخش کشاورزي ايران، بويژه در کشاورزي خرد و دهقاني از جمله مشکلاتي است که اين بخش را در مواجهه با مشکلات و حوادث طبيعي و غيرطبيعي آسيب‌پذير مي‌کند. اين مشکل گاه شرايط را براي پذيرش ايده‌ها و نوآوريهاي مرتبط با فعاليت کشاورزي دشوار و تاحدي ناممکن مي‌کند. اين موضوع در ايران يکي از

1. طبق تقسیمبندی سازمان جهادکشاورزی استان تهران، مناطق شرقی دال بر مناطق هم اقلیم کشاورزی این استان است نه جهات جغرافیایی.

عوامل محدود كننده توسعه بخش كشاورزي و روستايي است. چارچوب متداول نظام بانكي _ مالي كشور نيز با وجود مواد و تبصره‌هاي حمايتي، در رويارويي با كشاورزان و توليدكنندگان خرد روستايي قابليت و ظرفيت مناسبي ندارد، به گونه‌اي كه روستاييان اغلب براي حل مشكلات مالي و تأمين اعتبارات لازم براي ادامه فعاليت خود يا توسعه آن و در برخي موارد تأمين نيازهاي مصرفي خود به نهادهاي غيررسمي و اشخاص حقيقي خارج از جامعه روستايي و گاهي داخل روستا روي مي‌آورند و وام و اعتبار مورد نياز خود را با شرايطي نابرابر و هزينه و بهره بالا به دست مي‌آورند.

با توجه به ضرورت مشاركت مردم در فرايند توسعه پايدار و با تأكيد بر توسعه پايدار روستايي به نظر مي‌رسد تشكيل صندوقهايي با بافت و ماهيت مردمي _ محلي مي‌تواند در جمع‌آوري سرمايه‌هاي اندک روستاييان و تأمين اعتبارات مورد نياز روستاييان و كشاورزان براي فعاليتهاي توليدي و سرمايه‌گذاري خود مفيد باشد. اين موضوع بويژه مي‌تواند در ياري رساندن به روستاييان و توليدكنندگاني مفيد واقع شود كه براي ادامه و استمرار فرايند توليدي خود به سلف‌خران، واسطه‌ها و .... روي مي‌آورند. به عبارت ديگر اين قبيل صندوقها يا مؤسسات مالي مي‌توانند با ايفاي نقش مؤسسه مالي و با فرآهم آوردن امكان تأمين سرمايه‌هاي مورد نياز كشاورزان در توسعه كشاورزي و روستايي محدوده فعاليت خود مؤثر باشند. شايد بتوان اين موضوع را بويژه در تأمين حداقل اعتبارات و سرمايه لازم براي كشاورزان معيشتي و توليد كنندگان خرد حائز نقش و اهميت مهمتري نيز دانست.

در پژوهش حاضر زمينه‌يابي براي ايجاد صندوقهاي اعتباري روستايي ارائه دهنده خدمات مالي و اعتباري به توليدكنندگان خرد بخش كشاورزي مد نظر است. در اين باره به بررسي زمينه‌ها و تمايلات روستاييان و توليد كنندگان بخش كشاورزي در تشكيل اين قبيل صندوقها پرداخته مي‌شود. به سخن ديگر مسئله اساسي اين پژوهش عبارت است از: بررسي و زمينه‌يابي امكان تأسيس صندوقهاي اعتباري در مناطق شرقی جهت ارائه خدمات مالی به

كشاورزان و توليد كنندگان اين مناطق به منظور تأمين سرمايه‌هاي اندک مورد نياز آنها و كم كردن حضور سلف‌خران و واسطه‌ها در اين امر.

اهداف پژوهش

هدف كلي اين پژوهش عبارت است از: زمينه‌يابي ايجاد صندوق اعتباري روستايي براي تأمين و ارائه خدمات اعتباري و مالي مورد نياز توليدكنندگان و روستاييان مناطق شرقی استان تهران. ضمناً هدفهاي اختصاصي زير نيز در نظر قرار دارد:

- شناخت ميزان آگاهي روستاييان از فعاليت صندوق اعتباری روستايي
- شناخت ميزان علاقه‌مندي روستاييان به تشكيل صندوق اعتباری روستايي
- بررسي عوامل مؤثر بر علاقه‌مندي و گرايش روستاييان نسبت به تشكيل صندوق اعتباري روستايي

مباني نظري تحقيق

براي شروع به كار و يا كاشت و برداشت محصول در طول سال زراعي، كشاورز، دامدار و ساير توليدكنندگان روستايي به نهاده‌هايي مانند كود، سم، نيروي كار، سوخت، ماشين‌آلات و ... نيازمندند. از آنجا كه كشاورزان و توليدكنندگان روستايي تا هنگام فروش محصول، هيچ منبع درآمد ديگري ندارند از پس انداز شخصي و منابع اعتباري نيازهاي خود را تأمين مي‌كنند. از اين رو مي‌توان گفت سرمايه و اعتبار نقش مهمي در فعاليتهاي كشاورزي دارد و بدون وجود آن امكان استمرار يا توسعه فعاليتهاي كشاورزي وجود ندارد.

يكي از مشكلات اساسي در بخش كشاورزي اغلب كشورها و از جمله ايران، تأمين بموقع اعتبارات مورد نياز كشاورزان است تا آنها مجبور نشوند محصولات خود را با قيمت نازل بفروشند و حتي پيشفروش كنند. در اين باره تبصره‌ها و مواد قانوني، تسهيلات حمايتي، نهادهاي مالي و اخيراً صندوقهاي اعتبار روستايي مي‌كوشند تا كشاورزان و

توليدكنندگان را در امر توليد ياري دهند. لذا در اين بخش ضمن تعريف اعتبار و وام به معرفي صندوقهاي اعتباري روستايي و نمونه‌هايي از آنها در كشورهاي ديگر مي‌پردازيم.

تعريف اعتبار و وام

اعتبار كلمه‌اي عربي و از نظر اقتصادي و مالي اعتمادي است كه بانک به شخص مي‌كند تا مقدار معيني از منابع مالي مانند پول را در اختيار او قرار دهد. در تعريفي ديگر، وام يا اعتبار مقدار پول و جنس و يا خدمتي است كه شخص براي مدتي (محدود و مشخص و يا نامشخص) در مقابل دريافت بهره يا مقداري اضافه و يا بدون دريافت بهره و مبلغ اضافي (قرض الحسنه) با دريافت وثيقه و يا به اعتبار شخصي در اختيار شخص ديگر قرار مي‌دهد (طالب، 1372). در تعريفي ديگر وام عبارت از در اختيار گذاشتن سرمايه و اعتبار به كشاورزان در موقع نياز و پس گرفتن آن پس از برداشت محصول يا پس از مدت زمان مناسبي است (اسماعيل‌پور، 1379).

آشنايي با انواع صندوق اعتبار روستايي و اهداف آنها

در حال حاضر در كنار بانكها، صندوقهاي اعتباري براي حمايت از كشاورزان و دامداران كشور از طريق پرداخت تسهيلات اعتباري مورد نياز به وجود آمده است. از جمله اهداف اين صندوقها مي‌توان به موارد زير اشاره كرد:

1. پرداخت اعتبارات به روستاييان بدون اعمال قوانين دست و پا گير نظام بانكي
2. اشتغالزايي بيشتر و كاهش اشتغال ناقص در مناطق روستايي
3. بهبود بخشيدن به درآمد و كيفيت عمومي زندگي در مناطق روستايي
4. جمع‌آوري و هدايت سرمايه‌هاي اندک روستاييان و برنامه‌ريزي براي استفاده صحيح از آنها
5. كمک مالي به روستاييان جهت راه‌اندازي طرحهاي كوچک روستايي
6. كوتاه كردن دست سلف‌خران و رباخواران و ساير عوامل اخلالگر از نظام اقتصادي روستا
7. تأمين هزينه‌هاي جاري و مصرفي روستاييان
8. توجه به رفع نيازهاي واقعي و محلي روستاييان
9. بهبود وضع مالي و اقتصادي بهره‌برداران از طريق تشويق آنها به پس‌انداز، صرفه‌جويي و تأمين وجوه مورد نياز براي پرداخت وام جهت امور توليدي
10. تأمين بخشي از نيازهاي ضروري مالي و اعتباري روستاييان (طرح توجيهي صندوق اعتبارات روستايي در ايران، 1370؛ ايران‌نژاد، 1375).

مزاياي صندوق اعتبار روستايي

به طور كلي براي صندوق اعتبار روستايي در مناطق روستايي اهداف و مزاياي زير را مي‌توان در نظر گرفت:

1. نبود و يا كمبود منابع اعتباري در مراكز دهستان نه تنها موجب عدم دسترسي بموقع و سريع بهره‌برداران روستايي به منابع اعتباري و وام مي‌شود، بلكه در بازپرداخت

وام، روستاييان را با مشكل مواجه مي‌نمايد. در نتيجه، نزديكي و تماس مداوم صندوق با دريافت‌كنندگان وام در بازپرداخت موفقيت آميز آن نقش مهمي دارد.

2. در منابع اعتباري بخش عمده‌اي از كمكها و وامهاي اعطايي به شركتهاي كشت و صنعت و واحدهاي بزرگ توليدي و شركتهاي سهامي زراعي اختصاص مي‌يابد و لذا سهم واحدهاي بهره‌برداري خرد (خانوادگي) ناچيز است، در حالي كه هدف صندوق اعتبار روستايي اعطاي وامهاي كوتاهمدت و درازمدت انفرادي به روستاييان و بهره‌برداران خرد است.

3. وجود مقررات دست و پا گير اداري مانع استفاده بموقع از كمكهاي مالي و منابع اعتباري مي‌شود و روستاييان اجباراً دست تقاضا به سوي منابع اعتباري ديگر مثل مالكان و پيله‌وران و رباخواران دراز مي‌كنند و شرايط سنگين آنان را مي‌پذيرند، در حالي كه تأسيس صندوق با تعديل قوانين دست و پا گير اداري و دادن وام در زمان مورد نياز همراه است.

4. نظام اداري صندوق به مراتب آسانتر و تحمل‌پذيرتر از ساير منابع اعتباري است، چرا كه صندوق اعتبار روستايي در مراكز دهستان و با همت و تلاش خود روستاييان ايجاد و به دست برگزيدگان خودشان اداره مي‌شود و لذا هزينه‌هاي تشريفاتي زائد ندارد.

5. اعطاي وام از طريق منابع اعتباري، با بهره سنگين همراه است. ولي اعطاي وام از طريق صندوق با حداقل بهره بانكي ميسر مي‌باشد.

6. وامهاي نظام تأمين اعتبار مستقيم صندوق براي افراد روستايي بدون منبع درآمد ثابت و تضمين شده غالباً اندك است و در اين حالت وامگيرندگان به گروههاي پنج نفره و هم طراز تقسيم مي‌شوند تا كمكهاي متقابل راحت صورت گيرد.

7. از آنجا كه براي تأمين مالي صندوق، مشاركت روستاييان از طريق خريد سهام لحاظ شده است، قبول ضمانت و پشتيباني معتمدين محلي (شوراي اسلامي، خانه همياري و

...) جهت دريافت وام كفايت مي‌كند، در حالي كه براي دريافت وام از طريق منابع اعتباري خصوصاً بانک كشاورزي ، داشتن ضامن معتبر يا وثيقه قابل قبول از الزامات است.

8. برگزاري كلاسهاي آموزشي - ترويجي جهت آشنايي با نظام اعتباري صندوق، چگونگي درخواست وام، راههاي قانوني در يافت وام و ... از جمله مزاياي صندوق اعتبار روستايي است.

9. صندوق اعتبار روستايي از طريق ساز و كار اعتباري، توانايي ترغيب بهره‌برداران را نسبت به بيمه‌كردن‌محصولات‌كشاورزي دارد (طرح توجيهي صندوق اعتبارات روستايي، 1370؛ صياد، 1379).

نمونه هايي از فعاليت صندوقها و مؤسسات اعتباري در جهان

1. گرامين بانک (بنگلادش)

نخستين تجربه در زمينه اعتبارات خرد حدود 20 سال پيش و با تأسيس گرامين بانک در بنگلادش شكل گرفت. گرامين بانک در سال 1976 ميلادي حركت خود را با هدف بهبود زندگي تنگدستان روستايي از راه دسترس پذير كردن اعتبارات براي آنها، پس‌انداز، تسهيلات رفاهي و برنامه‌هاي اجتماعي آغاز كرد. با اين همه، بانک ياد شده در مدتي كوتاه رشد چشمگيري كرد، به گونه‌اي كه سرمايه و تعداد اعضاي آن به ترتيب به 260 ميليون دلار و 2/3 ميليون نفر رسيد. بيشتر اعضا را روستاييان و تنگدستان و بيش از 90 درصد آنها را زنان تشكيل مي‌دادند. ميانگين پرداخت وام توسط گرامين بانک در سال 1997 برابر 170 دلار (معادل 60 درصد درآمد سرانه كشور بنگلادش) براي هر عضو بود و پرداخت 98 درصد اقساط وامها نيز بموقع صورت گرفت. جنبش ياد شده در مدتي كوتاه به ديگر كشورهاي آسيايي مانند اندونزي و مالزي و كشورهاي امريكاي لاتين همچون بوليوي و آرژانتين سرايت كرد و نمونه‌هاي موفق ديگري نيز تأسيس شد(معظمي، 1380).

2. صندوق رعيت مالزي

صندوق رعيت مالزي در سپتامبر 1954 بر اساس مقررات مصوب 1948 و پيرو يک دوره پيشرفت سريع نهضت اعتبارات تعاوني در اين كشور تأسيس شد. اين صندوق براي رفع مشكلات پرداخت تسهيلات اعتباري به اعضا و نيز به منظور يافتن منابع مالي براي شركتهاي تعاوني مناطق روستايي و اتحاديه تعاوني به وجود آمد. صندوق رعيت يک صندوق تعاوني است، بنابراين هدف اصلي آن بهبود وضعيت اقتصادي اعضا از طريق مشاركت در فعاليتهاي سودآور است.

3. صندوق اماني سري‌لانكا

اين صندوق با كمكهاي مالي بانک جهاني در سري‌لانكا ايجاد شده است. صندوق اماني سري‌لانكا تأمين مالي مجددي را براي سازمانهاي شريک به منظور وام دادن به گروههاي بسيج شده اجتماعي در محدوده معيارهاي خاص تصريح شده براي وامگيرندگان فرعي ممكن مي‌كند.

4. سازمان بين‌المللي فينكا در امريكا

اين سازمان را جان هاچ در سال 1984 براي ايجاد صندوق روستا در كشورهاي امريكاي مركزي و جنوبي ايجاد كرد. در اين صندوق به مسائلي از قبيل حمايت از گروههاي محلي براي تأمين بانک روستايي پايدار و دادن آموزشهاي لازم به اين گروهها براي ايجاد و اداره بانک و حركت در جهت خودكفايي و مالكيت بانک توسط افراد محلي تأييد و توجه زيادي شده است. هدف عمده فينكا تشويق روشهاي خوديار‌ي پايدار با هزينه كم براي بهبود اوضاع اقتصادي زنان فقير است.

5. شركت اعتباري و مالي مردم (PCFC) در فيليپين

در فيليپين نهادهاي مالي خرد متعددي نظير سازمانهاي غيررسمي اعتبار، بانكهاي روستايي، بانكهاي تعاوني و تعاونيهاي اعتبار خرد فعاليت مي‌كنند. اين نهادها به تأمين خدمات مالي براي هزاران خانواده كم‌درآمد در مناطق روستايي مي‌پردازند. از جمله نهادهاي مالي فعال در فيليپين شركت اعتباري و مالي مردم است كه توسط دولت فيليپين تأمين مالي مي‌شود و نزديک به نيم ميليون مشتري دارد كه حدود 98 درصد آنها را زنان تشكيل مي‌دهند. شركت اعتباري و مالي مردم تا سال 2000 ميلادي بيش از 26 ميليون دلار وام در اختيارمشتريان خود قرار داده است (حق‌نيا، 1381).

روش‌شناسي تحقيق

اين تحقيق از نوع كاربردي است، چراكه به بررسي زمينه‌هاي موجود جهت تشكيل صندوقهاي اعتباري روستايي مي‌پردازد. تحقيق حاضر از نظر سطح تحقيق، از نوع توصيفي ـ تحليلي مي‌باشد. از اين جهت توصيفي است كه به توصيف ويژگيهاي روستاييان و زمينه‌هاي گرايشي، توليدي، درآمدزايي، فرهنگي، اجتماعي جهت تشكيل صندوقهاي اعتباري محلي مي‌پردازدواز اين نظر تحليلي است كه به تعميم روابط بين متغيرهاي مستقل و وابسته مي‌پردازد. تحقيق حاضر از حيث امكان كنترل متغيرها، به دليل امكانپذير نبودن چنين امري از نوع تحقيقات شبه آزمايشي و بر حسب زمان وقوع، از نوع تحقيقات پس‌رويدادي است كه به روش علّي ـ ارتباطي صورت مي‌پذيرد. اين تحقيق همچنين از نوع مطالعات كمي و پيمايشي و از لحاظ روش‌شناسي نوعي زمينه‌يابي است. متغيرهاي مستقل و وابسته تحقيق عبارتند:

الف) مشخصات فردي روستاييان مانند محل سكونت، ميزان تحصيلات، جنسيت، وضعيت تأهل، سن، ميزان اراضي زراعي و باغي، تعداد افراد خانوار، تعداد فرزندان، تعداد دام، فاصله محل زندگي تا نزديكترين شهر و بانك كشاورزي، منبع درآمد، ميزان درآمد و پس‌انداز ماهانه و سالانه.

ب) گرايش پاسخگويان به صندوقهاي اعتباري روستايي

ج) نقاط قوت و ضعف صندوقهاي مالي و اعتباري موجود از نظر روستاييان

د) موانع و عوامل مؤثر بر استمرار فعاليت صندوقهاي اعتباري محلي از نظر روستاييان

از مهمترين تكنيكهاي جمع‌آوري اطلاعات در اين مطالعه، پرسشنامه و مصاحبه غيرساختاري با روستاييان و پرسشنامه مهمترين ابزار اندازه‌گيري در اين پيمايش و حاوي سئوالات بسته با طيف ليكرت و سئوالات باز و مهمترين روش گردآوري اطلاعات نيز مصاحبه رو در رو بوده است. روش آلفاي كرانباخ و بازآزمايي جهت تعيين ضريب پايايي ابزار اندازه گيري و روايي صوري[1] براي تعيين روايي اين ابزار به كار رفت. ضريب پايايي متغيرهاي تحقيق 0/79 تعيين گرديد.

جامعه آماري اين تحقيق دربرگيرنده كليه بهره‌برداران زراعي و باغي مناطق هم اقليم كشاورزی استان تهران (مناطق شرقی) (29668 نفر) شامل شهرستانهای فيروزكوه، دماوند، ري، پاكدشت، اسلامشهر بوده است. براي نمونه‌گيري از جمعيت مورد بررسي از نمونه‌گيري احتمالي و تصادفي ساده استفاده و حجم نمونه با بهره‌گيري از فرمول مورگان برابر 130 نفر تعيين شده است.

در تجزيه و تحليل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS11 تحت Windows و آماره‌هاي توصيفي مانند فراواني، فراواني تجمعي، ميانگين، انحراف استاندارد و آماره‌هاي استنباطي مانند ضرايب همبستگي پيرسون و اسپيرمن، من وايت ني و كروسكال‌واليس استفاده شد.

يافته‌هاي تحقيق

ويژگيهاي فردي و حرفه‌اي پاسخگويان

باتوجه به محدوده جغرافيايي اين تحقيق، پاسخگويان را روستاييان ساكن در پنج شهرستان

ياد شده تشكيل دادند. از 115 پاسخگو، 35 نفر(30/4درصد) در شهرستان فيروزكوه، 41

1. face validity

نفر (35/7 درصد) در شهرستان دماوند، 18 نفر (15/7 درصد) در شهرستان پاكدشت، 15 نفر (13 درصد) در شهرستان ري، 6 نفر(5/2 درصد) در شهرستان اسلامشهر سكونت داشتند. توزيع فراواني پاسخگويان بر حسب فاصله محل سكونت آنها تا نزديكترين شهر نشان داد كه ميانگين فاصله روستا تا شهر 21 كيلومتر بوده است. براي مشخص كردن ميزان دسترسي پاسخگويان به بانك كشاورزي (به عنوان مهمترين مؤسسه مالي و اعتباري در دسترس روستاييان كه جهت دريافت وامهاي مالي و اعتباري بدان مراجعه مي‌كنند) به تعيين فاصله محل سكونت آنها تا نزديكترين شعبه اين بانك پرداخته شد. يافته‌ها نشان داد كه ميانگين فاصله روستاي محل سكونت پاسخگويان تا نزديكترين شعبه بانك كشاورزي حدود 19 كيلومتر است.

توزيع فراواني پاسخگويان برحسب جنسيت آنها نشان داد كه از 115 پاسخگو، 85 نفر (73/9 درصد) را مردان و 30 نفر (26/1 درصد) را زنان تشكيل مي‌دادند. توزيع فراواني پاسخگويان برحسب وضعيت تأهل نيز نشان داد كه از 115 پاسخگو، 96 نفر (83/5 درصد) متأهل و 19 نفر (16/5 درصد) مجرد بودند. توزيع فراواني پاسخگويان برحسب تعداد اعضاي خانوار آنها نشان داد ميانگين تعداد اعضاي خانوار كل پاسخگويان 5 نفر است؛ يعني اندازه خانوار اكثريت پاسخگويان در حد متوسط مي‌باشد،گرچه‌تعدادي‌ازپاسخگويان‌داراي‌خانوار13نفرو برخي نيز به صورت مجرد زندگي مي‌كردند.

توزيع فراواني ميزان تحصيلات پاسخگويان نشان داد كه افزون بر نيمي از 112 پاسخگو داراي تحصيلات سيكل و كمتر از آن بودند، به طوري كه 43 نفر (38/4 درصد) داراي تحصيلات در حد سيكل، 27 نفر (24/1 درصد) در حد خواندن و نوشتن و 8 نفر (7/1 درصد) بي‌سواد بودند. 23 نفر (20/6 درصد) نيز داراي مدرك تحصيلي ديپلم و 11 نفر (9/8 درصد) داراي مدرك تحصيلي

فوق ديپلم و بالاتر بودند. بنابراين مي‌توان گفت سطح تحصيلات بيشتر پاسخگويان نسبتاً پايين است. ميانگين سني پاسخگويان نيز 40 سال بوده است.

منابع و ميزان درآمد

يكي از هدفهاي اصلي تشكيل صندوقهاي مالي و اعتباري ايجاد زمينه‌هاي درآمدزايي و توليدي از طريق وامهاي پرداختي است. لذا در اين تحقيق براي بررسي زمينه‌هاي توليدي و درآمدزايي روستاييان، به تعيين منابع درآمد روستاييان يا خانوادهشان پرداختيم. 54/8 درصد از پاسخگويان دامداري، 60 درصد زراعت، 22/6 درصد باغداري، 6/1 درصد صنايع دستي، 12/2 درصد فراورده‌هاي دامي، 10/4 درصد كارگري و 5/2 درصد تجارت را مهمترين منابع درآمد خود يا خانواده خويش براي امرار معاش ذكركردند. اين امر نشاندهنده وجود زمينه‌هاي توليدي مختلف كشاورزي از جمله زراعت، دامداري و باغباني و ديگر زمينه‌هاي درآمدزايي در مناطق مورد بررسی است. توزيع فراواني پاسخگويان برحسب ميزان درآمد ماهانه و سالانه نشان داد كه اين دو ميانگين درآمد به ترتيب 177906 و 2388513 تومان است.

ميزان رفع نيازهاي زندگي با درآمد موجود

توزيع فراواني نظرات پاسخگويان در خصوص اين سئوال كه درآمد فعلي تا چه حد نيازهاي زندگي شما يا خانواده شما را مرتفع مي‌كند نشان داد كه حدود نيمي از 112 پاسخگو (54/5 درصد)، اين ميزان را در حد خيلي كم تا كم مي‌دانند، به طوري كه 30 نفر (26/8 درصد) آن را در حد خيلي كم و 31 نفر (27/7 درصد) آن را در حد كم ذكر كردند. اين در حالي است كه 47 نفر (42 درصد) درآمد موجود را در رفع نيازهاي زندگي را در حد متوسط مكفي مي‌دانند و تنها 4 نفر (3/6 درصد) آن را در حد زياد تا خيلي زياد ارزيابي كردند كه اين خود نشاندهنده نارضايتي نسبي پاسخگويان از ميزان درآمد خويش است.

ميزان پس‌انداز ماهانه و سالانه

بيشتر پاسخگويان به اين سؤال كه آيا شما مبلغي از درآمد خود را پس‌انداز مي‌كنيد؟ پاسخ منفي دادند به طوري كه از 115 پاسخگو، 87 نفر (75/7 درصد) بيان داشتند كه درآمد آنها در حدي نيست كه قادر به پس‌انداز باشند و تنها 28 نفر (24/3 درصد) اظهار داشتند كه مبلغي از درآمد خويش را پس‌انداز مي‌كنند. ميانگين پس‌انداز ماهانه و سالانه پاسخگويان به ترتيب 11365 تومان و 160 هزار تومان اعلام شد. يافته‌ها نشان داد كه حدود نيمي از پاسخگويان كمتر از 300 هزار تومان پس‌انداز سالانه داشته و حداكثر پس‌انداز سالانه آنها 6 ميليون تومان بوده است.

نحوة استفاده از پس‌انداز خود يا خانواده

تحليل محتواي پاسخهاي پاسخگويان در پاسخ به اين سؤال كه با پس‌انداز خود يا خانواده خود چكار مي‌كنيد؟ نشان داد كه از 41 پاسخ، 18 مورد (43/9 درصد) امور مختلف زندگي مانند ازدواج فرزندان، سفرهاي زيارتي، خريد وسايل مورد نياز زندگي و امور پيش‌بيني نشده و حوادث ناگوار؛ 13 پاسخ (31/7 درصد) سرمايه‌گذاري در فعاليتهاي توليدي كشاورزي از جمله زراعت، دامداري، باغداري و صنايع دستي از طريق خريد ادوات مختلف كشاورزي، دام، زمين و غيره؛ 7 پاسخ (17/1 درصد) خريد زمين، مسكن يا خودرو؛ 2 پاسخ (4/9 درصد) پس‌انداز در بانك يا پرداخت اقساط وامهاي دريافتي؛ يك پاسخ (2/4 درصد) كارهاي خيريه را راههاي هزينه‌كرد پس‌انداز ذكر كرده‌اند.

محل تهيه پول در صورت نياز به آن

تحليل محتواي پاسخهاي پاسخگويان در پاسخ به اين سؤال كه در صورت نياز به پول معمولاً به كجا مراجعه مي‌كنند؟ نشان داد كه از 114 پاسخ، 75 مورد (65/8 درصد) بانكهاي مختلف و عمدتاً بانك كشاورزي را مهمترين مكان ذكر كردند و پس از آن، اقوام و

آشنايان و فرزندان با 30 پاسخ (26/3 درصد) و صندوقهاي قرض الحسنه با 5 مورد (4/4 درصد) و دلالان و بارفروشان و نيز صندوقهاي خانوادگي و فاميلي با 2 پاسخ (1/7 درصد) مهمترين مراجع تهيه پول ذكر شدند.

نوع مؤسسه مالي و اعتباري پرداخت كننده وام در پنج سال اخير

توزيع فراواني پاسخگويان برحسب نوع مؤسسه مالي و اعتباري‌اي كه در پنج سال اخير از آن وام دريافت كرده‌اند نشان داد كه 24/3 درصد از پاسخگويان از صندوقهاي قرض الحسنه، 20 درصد از شركتهاي تعاوني، 11/4 درصد از صندوقهاي مالي و اعتباري فاميلي، 7/1 درصد از صندوقهاي مالي و اعتباري محلي و 2/9 درصد از سلف‌خرها وام دريافت كرده‌اند، در حالی كه حدود نيمي از آنها (52/2 درصد) در پنج سال اخير از ساير مؤسسات مالي و اعتباري و به طور عمده از بانكها وام دريافت كرده‌اند كه اين خود نشاندهنده ضرورت دريافت وام براي اكثريت پاسخگويان است كه بيش از نيمي از آنها در پنج سال اخير نسبت به دريافت وام اقدام كرده‌اند. لذا زمينه تشكيل و گسترش صندوقهاي مالي و اعتباري محلي بيش از پيش نمايان مي‌شود.

نقاط قوت و ضعف مؤسسات مالي و اعتباري موجود

تشكيل صندوقهاي مالي و اعتباري محلي نيازمند شناخت نقاط قوت و ضعف مؤسسات مالي و اعتباري موجود و فعال است تا از اين طريق، نسبت به رفع اين نقيصه‌ها و تقويت نقاط قوت در مؤسسات مالي و اعتباري تازه تأسيس اقدام شود. لذا در اين تحقيق مؤسسات مالي و اعتباري موجود از جهات زير بررسی شدند.

ميزان حق عضويت پرداختي توسط اعضا: توزيع فراواني نظرات پاسخگويان دراين خصوص نشان داد كه از 35 پاسخگو، 23 نفر (65/7 درصد) اين ميزان را در حد

متوسط، 8 نفر (22/9 درصد) در حد كم تا خيلي كم و تنها 4 نفر (11/4 درصد) در حد زياد ارزيابي كردند.

ميزان وام دريافتي توسط اعضا: يافته‌ها نشان داد كه از 33 پاسخگو، 15 نفر (45/5 درصد) ميزان وام دريافتي توسط اعضا را در حد تقريباً مكفي، 12 نفر (36/4 درصد) در حد غير مكفي و تنها 6 نفر (18/2 درصد) در حد مكفي ارزيابي كردند كه اين نشاندهنده تمايل پاسخگويان نسبت به افزايش سقف ميزان وام است.

نحوه بازپرداخت وام از نظر زمانبندي و ميزان اقساط: توزيع فراواني نظر پاسخگويان در اين خصوص نشان داد كه بيش از نيمي از 37 پاسخگو، (56/8 درصد) نحوه بازپرداخت وام را تا حدي مناسب، 14 نفر (37/8 درصد) در حد مناسب تا بسيار مناسب و تنها 2 نفر (5/4 درصد) در حد نامناسب دانستند كه اين مبين رضايت نسبي پاسخگويان از نحوه زمانبندي و ميزان اقساط بازپرداخت وامها است.

نرخ كارمزد، سود يا بهره وام پرداختي: از 38 پاسخگو، 17 نفر (44/7 درصد) ميزان كارمزد، سود يا بهره دريافتي را در حد متوسط، 14 نفر (36/8 درصد) در حد خيلي زياد و تنها 7 نفر (18/5 درصد) در حد خيلي كم تا كم ارزيابي كردند. اين موضوع لزوم بازنگري در نرخ كارمزد، سود يا بهره دريافتي را نشان مي‌دهد.

وثيقه دريافتي يا ضامن: مؤسسات عموماً در ازاي وام پرداختي به مشتريان، نسبت به دريافت وثيقه يا ضامن به اشكال مختلفي مانند چك، سفته، سند مالكيت و ضامن معتبر اقدام مي‌كنند كه ميزان سهولت تهيه و ارائه آن به مؤسسه، موجبات رضايت يا نارضايتي مشتريان را فراهم می كند. در اين باره توزيع فراواني نظر پاسخگويان نشان داد كه از 40 پاسخگو، 15 نفر (38/5 درصد) وثيقه دريافتي يا ضامن توسط مؤسسات مالي و اعتباري موجود را تا حدي مناسب، 20 نفر (50 درصد) در حدي مناسب تا بسيار مناسب و تنها 8 نفر (20 درصد) در حد بسيار نامناسب تا نامناسب ارزيابي كردندكه اين نشاندهنده رضايت نسبي پاسخگويان از وثيقه دريافتي يا ضامن توسط مؤسسات مالي و اعتباري موجود است.

تشريفات و مراحل اداري دريافت وام: دريافت وام از هر مؤسسه مالي و اعتباري داراي فرايند و مراحلي است كه از درخواست براي وام آغاز مي‌شود و تا دريافت آن طول مي‌كشد. لذا بررسي نظر پاسخگويان در خصوص اين فاصله زماني نشان داد كه از 39 پاسخگو، 15 نفر (38/5 درصد) اين تشريفات و مراحل را تا حدي طولاني، 14 نفر (35/9 درصد) كوتاه تا بسيار كوتاه و 10 نفر (35/7 درصد) طولاني تا بسيار طولاني دانستند. اين موضوع نشان مي دهد حدود يك سوم پاسخگويان از تشريفات و مراحل اداري دريافت وام رضايت داشتند و آن را كوتاه و مابقي طولاني ارزيابي و از آن ابراز نارضايتي نسبي كردند.

نحوه توزيع و اختصاص عادلانه وامها به اعضا): نحوه توزيع وامها بين اعضا از جمله عواملي است كه موجبات رضايت يا نارضايتي مشتريان را فراهم مي‌آورد، به طوري كه هر قدر نحوه توزيع و اختصاص وامها بين اعضا عادلانه‌تر باشد ، رضايت بيشتر مشتريان فراهم مي‌شود. از 38 پاسخگو، 14 نفر (36/8 درصد) نحوه توزيع وامها را تا حدي عادلانه، 17 نفر (44/7 درصد) عادلانه و 7 نفر (18/4 درصد) ناعادلانه تا بسيار ناعادلانه ارزيابي كردند كه اين موضوع نشان مي‌دهد بيشتر پاسخگويان نحوه توزيع و اختصاص وامها بين اعضا را عادلانه دانستند و از آن رضايت نسبي داشتند.

تعداد وام پرداختي به اعضا در سال: توزيع فراواني نظر پاسخگويان در اين خصوص نشان داد كه از 38 پاسخگو، 13 نفر (34/2 درصد) اين تعداد را تا حدي مناسب، 16 نفر (43/1 درصد) در حد مناسب تا بسيار مناسب و مابقي (23/7 درصد) در حد نامناسب تا بسيار نامناسب ارزيابي كردند. بدين ترتيب رضايت نسبي افراد از تعداد وامهاي اعطايي به آنها توسط مؤسسات مالي و اعتباري موجود نمايان مي‌شود.

نحوه نظارت و مديريت بر مؤسسات مالي و اعتباري: نحوه مديريت و نظارت بر مؤسسات مالي و اعتباري از اركان اساسي هر مؤسسه‌اي است كه رضايت يا نارضايتي مشتريان از مؤسسه رابه دنبال دارد. از 38 پاسخگو، 19 نفر (50 درصد) نحوه مديريت و نظارت بر

مؤسسات مالي و اعتباري رادر حد مناسب تا بسيار مناسب، 14 نفر (36/8 درصد) در حدي مناسب و مابقي (13/1 درصد) در حد نامناسب تا بسيار نامناسب ارزيابي كردند. اين موضوع توجه بيشتر به اصلاح و تقويت نظارت و مديريت بر مؤسسات مالي و اعتباري را مي‌طلبد.

گرايش روستاييان به صندوقهاي مالي و اعتباري

براي سنجش ميزان گرايش پاسخگويان به صندوقهاي مالي و اعتباري از 6 سؤال گرايش سنجي استفاده شد تا گرايش روستاييان از طريق سنجش نظرات آنها نسبت به پس‌انداز، ضرورت تشكيل صندوق اعتبارات روستايي، تأثير وامهاي دريافتي از صندوقهاي اعتباري روستايي در رونق فعاليتهاي توليدي، تمايل اطرافيان و دوستان و اعضاي خانواده روستاييان به مشاركت و عضويت در صندوقهاي اعتباري روستايي، رفع مشكلات مالي آنها با دريافت وام از صندوقهاي اعتباري روستايي و تشويق اعضاي خانواده به عضويت در اين صندوقها مشخص شود.

ميزان اهميت پس‌انداز براي خانواده پاسخگويان: توزيع فراواني نظر پاسخگويان در اين خصوص نشان داد كه از 108 پاسخگو، 45 نفر (41/7 درصد) اين ميزان را در حد خيلي زياد و در مجموع 65/9 درصد در حد زياد تا خيلي زياد براورد كردند. اين در حالي بود كه 29 نفر (26/9 درصد) از پاسخگويان ميزان اهميت پس‌انداز براي خانواده خود را در حد متوسط و تنها 8 نفر (7/4 درصد) درحدخيلي كم تا كم دانستند كه اين نشان از اهميت پس‌انداز براي خانواده پاسخگويان دارد.

ضرورت تشكيل صندوق اعتبارات روستايي: توزيع فراواني نظر پاسخگويان در اين خصوص نشان داد كه از 108 پاسخگو، 57 نفر (52/8 درصد) اين ضرورت را در حد

خيلي زياد، 39 نفر (36/1 درصد) آن را در حد زياد و 11 نفر (10/2 درصد) در حد متوسط و يك نفر (0/9 درصد) درحد خيلي كم ارزيابي كردند.

ضرورت وامهاي دريافتي در رونق فعاليتهاي توليدي: توزيع فراواني نظرپاسخگويان در اين باره نشان داد كه از 107 پاسخگو، 45 نفر (42/1 درصد) اين ضرورت را در حد خيلي زياد، 48 نفر (44/9 درصد) در حد زياد و 8 نفر (7/5 درصد) در حد متوسط و تنها 6 نفر (5/6 درصد) در حد كم تا خيلي كم ارزيابي كردند كه اين مبين توجه ويژه پاسخگويان به اين وامها و تأثير قابل توجه آن در رونق فعاليتهاي توليدي است.

ميزان تمايل اطرافيان و دوستان و اعضاي خانواده پاسخگويان به عضويت و مشاركت در صندوقهاي اعتباري روستايي: از 106 پاسخگو، 82 نفر (77/4 درصد) اين تمايل را در حد زياد تا خيلي زياد، 17 نفر (16 درصد) در حد متوسط و تنها 7 نفر (19/8 درصد) در حد كم تا بسيار كم ارزيابي كردند. اين موضوع نشان مي‌دهد اطرافيان، دوستان و اعضاي خانواده پاسخگويان به مشاركت و عضويت در صندوقهاي اعتباري روستايي تمايل نسبتاً بالايي دارند.

ميزان رفع مشكلات مالي با دريافت وامها از صندوقهاي اعتباري روستايي: توزيع فراواني نظر پاسخگويان در باره ميزان تأثير وامهاي دريافتي از صندوقهاي اعتباري روستايي در رفع مشكلات مالي آنها نشان داد كه از 100 پاسخگو، 29 نفر (29 درصد) اين ميزان را در حد خيلي زياد، 34 نفر (34 درصد) در حد زياد و در مجموع 63 درصد در حد زياد تا خيلي زياد و 27 نفر (27 درصد) نيز در حد متوسط ارزيابي كردند، در حالي كه تنها 10 نفر (10 درصد) از پاسخگويان اين ميزان را در حد كم تا خيلي كم دانستند. اين موضوع

نشاندهنده اعتقاد پاسخگويان به تأثير چنين وامهايي در رفع مشكلات مالي آنهاست و اين مسئله گرايش آنان را به تشكيل چنين صندوقهاي نشان مي‌دهد.

ميزان تشويق اعضاي خانواده به عضويت در صندوقهاي اعتباري روستايي توسط پاسخگويان:

توزيع فراواني نظر پاسخگويان در اين خصوص نشان داد كه از 102 پاسخگو، 44 نفر (43/1 درصد) در حد خيلي زياد، 38 نفر (37/3 درصد) در حد زياد، 12 نفر (11/8 درصد) در حد متوسط و 8 نفر (7/9 درصد) در حد كم تا خيلي كم اعضاي خانواده خود را به عضويت در اين صندوقها تشويق مي‌كردند كه اين مبين توجه آنها به اهميت اين صندوقهاست.

قدرت پرداخت حق عضويت ماهانه در صورت تشكيل صندوق اعتباري روستايي

لازمة تشكيل هر صندوق اعتباري، پرداخت حق عضويت ماهانه توسط اعضاست. در اين باره از 92 پاسخگو، 47 نفر (51/1 درصد) يعني حدود نيمي از پاسخگويان كمتر از 5 هزار تومان ، 23 نفر (25 درصد) بين 6 تا 10 هزار تومان و مابقي پاسخگويان (23/9 درصد) توانايي پرداخت بيش از 10 هزار تومان حق عضويت در ماه را داشتند.

ميزان نياز سالانه به وام

توزيع فراواني پاسخگويان برحسب ميزان نياز سالانه به وام نشان داد كه به طور متوسط حدود 5 ميليون تومان وام در سال نياز پاسخگويان را براورده ساخته است. يافته‌ها نشان داد كه از 100 پاسخگو، 35 نفر (35 درصد) به كمتر از 1 ميليون تومان ، 24 نفر (24 درصد) بين 1 ميليون تومان تا 2 ميليون تومان، 9 نفر (9درصد) بين 2 تا 3 ميليون تومان، 4 نفر (4 درصد) بين 3 تا 4 ميليون تومان، 10 نفر (10 درصد) بين 4 تا 5 ميليون تومان و 18 نفر (18 درصد) به بيش از 5 ميليون تومان وام در سال نيازداشته‌اند.

ميانگين نياز سالانه پاسخگويان5/231/000 تومان و حداقل آن 100 هزار تومان و حداكثر آن 50 ميليون تومان تعيين شد.

توانايي بازپرداخت وام دريافتي

توزيع فراواني پاسخگويان برحسب ميزان توانايي بازپرداخت ماهانه وام دريافتي نشان داد كه از 97 پاسخگو، 27 نفر (27/8 درصد) مي‌توانند ماهانه كمتر از 10 هزار تومان، 16 نفر (16/5 درصد) بين 10 تا 20 هزار تومان، 7 نفر (7/2 درصد) بين 20 تا 30 هزار تومان، 14 نفر (14/4 درصد) بين 30 تا 40 هزار تومان و 33 نفر بيشتر از 40 هزار تومان بازپرداخت وام داشته باشند. كل پاسخگويان نيز به طور متوسط حدود 140 هزار تومان در ماه توان بازپرداخت وام دارند و حداقل اين توان 500 تومان و حداكثر آن 2 ميليون تومان تعيين شد.

نرخ بهره يا سود مناسب در بازپرداخت وام

توزيع فراواني نظرپاسخگويان در خصوص نرخ بهره يا سود مناسب در بازپرداخت وام نشان داد كه از 87 پاسخگو، 33 نفر (37/9 درصد) كمتر از 3 درصد، 36 نفر (41/4 درصد) 4 تا 6 درصد، 6 نفر (6/9 درصد) 7 تا 9 درصد، 12 نفر (13/8 درصد) بيشتر از 9 درصد بهره يا سود را در بازپرداخت وام مناسب دانستند. همچنين به طور متوسط كل پاسخگويان نرخ بهره يا سود را 4/8 درصد مناسب دانستند و حداقل اين نرخ 1 درصد و حداكثر آن 20 درصد تعيين شد.

نوع وثيقه يا ضمانت در ازاي وام پرداختي

مناسبترين نوع وثيقه يا ضمانت در ازاي وام پرداختي از نظر 39/3 درصد از پاسخگويان سفته، 31/8 درصد ضامن، 21/5 درصد سند مالكيت و 15 درصد چك بوده است.

نحوه اعطاي وام

توزيع فراواني نظر پاسخگويان در خصوص نحوه اعطاي وام به صورت فردي يا گروهي نشان داد كه از 109 پاسخگو، 96 نفر (88/1 درصد) اعطاي وام را به صورت فردي و 13 نفر (11/9 درصد) به صورت گروهي ترجيح دادند.

تمايل به تقبل مسئوليت در صندوق اعتباري روستايي

در اين باره توزيع فراواني پاسخگويان نشان داد كه 54/6 درصد از آنها مايل به عضويت در اين صندوقها، 11/1 درصد مايل به مشاركت به عنوان هيئت مديره و 3/7 درصد مايل به مشاركت به عنوان بازرس و 6/5 درصد مايل به تقبل مسئوليت مديرعاملي در صندوق اعتباري روستايي بودند، درحالي كه 25 درصد از پاسخگويان هيچ تمايلي نسبت به تقبل مسئوليت در اين صندوقها نداشته‌اند.

موارد مصرف وام دريافتي

در اين باره از 124 پاسخگو، 106 نفر (85/5 درصد) توسعه فعاليتهاي توليدي در زمينه‌هاي مختلف همچون زراعت، دامداري و باغباني؛ 10 نفر (8/1 درصد) توسعه صنايع مختلف دستي و ايجاد كارگاههاي توليدي؛ 4 نفر (3/2 درصد) توسعه آبياري

قطره‌اي و مرمت قناتها و چاهها؛ 3 نفر (2/4 درصد) انجام دادن فعاليتهاي مختلف تجاري كوچك و بزرگ و يك نفر (0/8 درصد) احداث ساختمان را ذكر كردند.

نحوه بازپرداخت وام

توزيع فراواني نظر پاسخگويان در باره نحوه بازپرداخت وام نشان داد كه 39/3 درصد از آنها ترجيح دادند پرداخت اقساط وام به صورت ماهانه و يا فصلي باشد و 23 درصد مايل به بازپرداخت وام به صورت يكجا بودند.

موانع و عوامل مؤثر بر استمرار فعاليت صندوقهاي اعتباري محلي

در اين باره توزيع فراواني نظر پاسخگويان نشان داد كه 84/4 درصد از آنها كمك مالي دولت در تشكيل صندوق اعتباري را در حد زياد تا خيلي زياد و يكي از مؤثرترين عوامل در استمرار فعاليت اين صندوقها مي‌دانند و پس از آن، نحوه مديريت صندوق قراردارد، به طوري كه 84/9 درصد از پاسخگويان آن را در حد زياد تا خيلي زياد مؤثر مي‌دانند. يافته‌ها نشان داد كه اعتماد اعضا به مسئولان صندوق يكي ديگر از عوامل مؤثر از سوي پاسخگويان بيان شد، به طوري كه 84/4 درصد از پاسخگويان آن را در حد زياد تا خيلي زياد در استمرار فعاليت صندوقهاي اعتباري محلي مؤثر دانستند. موارد ديگري مانند بازپرداخت بموقع وامهاي دريافتي توسط اعضا (ميانگين 4/22) ، نحوه پرداخت وام با رعايت عدالت به اعضاي صندوق (ميانگين 4/21)، اعتماد اعضا به يكديگر (ميانگين 4/20)، ارائه آموزشهاي لازم به اعضا قبل ازدريافت وام در خصوص فعاليتهاي‌درآمدزا(ميانگين 4/04) و نحوه مصرف وامهاي دريافتي در فعاليتهاي توليدي (ميانگين 3/98) از ديگر عوامل مؤثر بر استمرار فعاليت صندوقهاي اعتباري روستايي از سوي پاسخگويان ذكر شد. اين درحالي است كه عواملي مانند دريافت ضامن و يا وثيقه

معتبر (میانگین 3/60) و نرخ کارمزد، سود یا بهره (میانگین 2/45) از موانع استمرار این فعالیت ذکر شد (جدول 1).

جدول 1

تحليل اطلاعات

بين گرايش پاسخگويان به صندوقهاي اعتباري روستايي برحسب شهرستان محل سكونت در سطح 0/05 تفاوت معنيداري وجود دارد. بدين معنا كه با احتمال بيش از 95% روستاييان شهرستانهاي اسلامشهر و دماوند و فيروزكوه و ري گرايش بيشتري به صندوقهاي اعتباري نسبت به روستاييان شهرستان پاكدشت دارند و روستاييان اين شهرستان داراي كمترين گرايش به صندوقهاي اعتباري روستاييان‌اند.

مقايسه ميانگين رتبه‌اي گرايش روستاييان به صندوق اعتباري روستايي برحسب وضعيت تأهل تفاوت معنيداري نداشت؛ بدين مفهوم كه وضعيت تأهل تأثيري در گرايش به صندوق اعتباري روستايي نخواهد داشت.

مقايسه ميانگين رتبه‌اي گرايش روستاييان به صندوق اعتبارات روستايي برحسب جنسيت تفاوت معنيداري نداشت؛ بدين معني كه بين مردان و زنان روستايي در گرايش به صندوق اعتبارات روستايي تفاوت معنيداري وجود ندارد.

مقايسه ميانگين رتبه‌اي گرايش روستاييان به صندوق اعتباري روستايي برحسب منابع مختلف درآمدي از جمله دامداري، زراعت و باغباني تفاوت معنيداري را نشان نداد؛ بدين مفهوم كه منبع درآمد روستاييان تأثيري در گرايش آنها به صندوق اعتباري روستايي ندارد.

رابطه بين متغيرهاي مستقل و گرايش روستاييان به صندوق اعتباري روستايي نشان داد كه بين فاصله روستاي محل سكونت روستاييان تا شهر و متغير وابسته رابطه مثبت و معنيداري وجود دارد؛ بدين مفهوم كه با احتمال بيش از 99 درصد، هر قدر فاصله روستاي محل سكونت پاسخگويان تا شهر بيشتر باشد، دسترسي آنها به منابع مالي و اعتباري مستقر در شهر كمتر و در نتيجه، تمايل آنها به صندوقهاي اعتباري محلي و روستايي نيز بيشتر مي شود. همچنين بين فاصله روستاي محل سكونت روستاييان تا نزديكترين شعبه بانك كشاورزي (به عنوان مهمترين منبع مالي و اعتباري در دسترس روستاييان) و گرايش آنها

به صندوقهاي اعتباري روستايي نيز رابطه منفي و معنيداري وجود دارد؛ يعني با احتمال بيش از 95% ، هر قدر فاصله روستاي محل سكونت روستاييان تا نزديكترين شعبه بانك كشاورزي بيشتر باشد، گرايش آنها به صندوق اعتباري روستايي كمتر خواهد بود كه اين ممكن است نشأت گرفته از عدم شناخت روستاييان از مزاياي وام و وامگيري به دليل عدم دسترسي به چنين مراكزي باشد. داده‌ها نشان داد كه بين ميزان درآمد سالانه پاسخگويان و گرايش آنها به صندوق اعتباري روستايي نيز رابطه مثبت و معنيداري وجود دارد؛ بدين مفهوم كه با احتمال بيش از 99%، هر قدر ميزان درآمد سالانه روستاييان بيشر باشد، گرايش آنها به صندوق اعتباري روستايي نيز كمتر خواهد بود. در واقع هر قدر درآمد سالانه روستاييان بيشتر باشد، آنان دريافت وام را كمتر ضروري مي‌دانند و گرايش كمتري به صندوق اعتباري روستايي پيدا می كنند(جدول 3).

جدول 3. همبستگي بين متغيرهاي مستقل و متغير وابستة گرايش روستاييان به صندوق اعتباري روستايي

متغير مستقل	جنس داده	نوع آزمون	r	سطح معنيداري	نتيجه آزمون
فاصله روستاي محل سكونت تا شهر	فاصله‌اي	پيرسون	0/28	0/007	++
فاصله روستاي محل سكونت تا نزديكترين شعبه بانك كشاورزي	فاصله‌اي	پيرسون	-0/23	0/02	+
تعداد اعضاي خانوار	فاصله‌اي	پيرسون	0/11	0/31	-
تعداد فرزندان	فاصله‌اي	پيرسون	0/12	0/26	-
سن	فاصله‌اي	پيرسون	0/19	0/07	-
ميزان درآمد ماهانه	فاصله‌اي	پيرسون	-0/18	0/12	-
ميزان درآمد سالانه	فاصله‌اي	پيرسون	-0/32	0/01	+
ميزان پس‌انداز ماهانه	فاصله‌اي	پيرسون	-0/21	0/06	-
ميزان پس‌انداز سالانه	فاصله‌اي	پيرسون	0/008	0/94	-

ميزان تحصيلات	رتبه‌اي	اسپيرمن	-0/10	0/35	-
ميـزان رفـع نيازهـاي زنـدگي از طريق درآمد موجود	رتبه‌اي	اسپيرمن	-0/09	0/35	-

مأخذ: يافته‌هاي تحقيق ++: معنيداری در سطح 0/01 +: معنيداری در سطح 0/05 - : عدم معنيداری رابطه

نتيجه‌گيري و پيشنهاد

- استقرار صندوق اعتباري روستايي مستلزم وجود بسترهاي اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي در بين مولدان جوامع روستايي است. وجود زمينه‌هاي درآمدزايي و توليد، وجود نظر مثبت و اعتماد به مؤسسات مالي و اعتباري، منابع مالي لازم جهت تشكيل اين صندوقها، زمينه‌هاي سرمايه‌گذاري مولد از طريق وامهاي دريافتي از اين مؤسسات، اعتماد روستاييان به عضويت و مشاركت فعال در مؤسسات مالي و اعتباري روستايي از جمله ملزومات راه‌اندازي صندوقهاي مالي و اعتباري است. در روستاهاي مورد مطالعه اين تحقيق به علت درآمدزا بودن دامداري، اين فعاليت مهمترين زمينه براي سرمايه‌گذاري از طريق وامهاي دريافتي تشخيص داده شد. در اين باره پس از دامداري، فعاليتهاي زراعي و باغي قرار دارند.

پاسخگويان از مكفي بودن درآمد خود اظهار نارضايتي كردند و ميزان پس‌انداز خود را بسيار كم دانستند، ولي اين خود گرايش افراد را براي راه‌اندازي مؤسسات تأمين مالي افزايش داد.البته اين تهديد براي اين مؤسسات وجود دارد كه روستاييان وامهاي دريافتي را صرف امور غير توليدي كنند و در بازپرداخت وامها دچار مشكل شوند. به هر حال دريافت ضمانت و وثيقه‌هاي معتبرريسك چنين مشكلي را براي اين صندوقها مي‌كاهد. وجود ديگر مؤسسات مالي و اعتباري مانند صندوقهاي قرض‌الحسنه و بانكها خود موجب افزايش گرايش روستاييان به صندوقهاي مالي و اعتباري روستايي مي‌شود و ضرورت وجودي چنين صندوقهايي را به اثبات مي‌رساند.

- بررسي نقاط قوت و ضعف مؤسسات مالي و اعتباري موجود و استفاده از تجارب آنها رهنمودي خواهد بود براي راه‌اندازي مؤسسات ديگر. از نظر روستاييان مؤسسات مالي و اعتباري موجود در منطقه از نظر ميزان حق عضويت، ميزان وام اعطايي در سال، نحوه بازپرداخت وام، تعداد وام پرداختي به اعضا و نحوه مديريت و نظارت بر مؤسسات مالي و اعتباري به خوبي عمل كرده‌اند. اين موضوع نشاندهنده نقطه قوت مؤسسات مالي و اعتباري موجود در منطقه است، گرچه روستاييان از تشريفات و مراحل اداري دريافت وام، وثيقه دريافتي يا ضامن، نرخ كارمزد و سود يا بهره دريافتي گله‌مند بودند و از آن به عنوان نقاط ضعف اين مؤسسات ياد كردند.

- در استمرار يا توقف فعاليت صندوقهاي مالي و اعتباري عواملي دخيلند كه بايد در راه‌اندازي چنين مؤسساتي به دقت مورد توجه قرارگيرند تا موجبات استمرار فعاليت پايدار اين مؤسسات پس از تشكيل فراهم شود. كمك مالي دولت در ابتداي تشكيل مؤسسات مالي نوپا نقش مهمي در ادامه فعاليت آن دارد. نحوه مديريت صندوق، كه در جذب سرمايه اوليه مؤثر است، و توزيع عادلانه و مناسب وامها بين اعضا موجبات رضايتمندي آنها را فراهم ساخته و در عين حال تضميني براي بازپرداخت وام با سود مناسب مهياكرده است. اعتماد اعضا به مسئولان و نيز اعتماد اعضا به يكديگر از ديگر اركان اساسي يك صندوق اعتباري موفق است. بازپرداخت بموقع وامهاي دريافتي، كه امكان اعطاي وام به ديگر اعضا را فراهم مي‌سازد، و ارائه آموزشهاي لازم به اعضا قبل از اعطاي وام، صرف كردن وامها در امور توليدي از ديگر عوامل مؤثر بر استمرار فعاليت صندوقهاي اعتباري روستايي خواهد بود.

- با توجه به نوع فعاليتهاي توليدي متداول در منطقه و منابع درآمدي روستاييان، اعطاي وامهاي فردي تا سقف 5 ميليون تومان به اعضا با نرخ بهره كمتر از 6 درصد و دريافت وثيقه‌هايي مانند سفته و ضامن، با قسطبندي ماهانه و يا فصلي مي‌تواند موجبات

رضايت روستاييان از صندوقهاي اعتباري روستايي را افزايش دهد و گرايش و علاقه آنان را به عضويت و مشاركت فعال در چنين صندوقهايي ممكن سازد.

پيشنهادها

1.راه‌اندازي صندوقهاي اعتباري روستايي با توجه به اشتراكات قومي، فرهنگي، اجتماعي و اقتصادي روستاييان

2.توجه به توانمنديها و نيازهاي مالي روستاييان در راه‌اندازي صندوقهاي اعتباري روستايي

3. توجه به ترجيحات روستاييان در تشكيل صندوقهاي اعتباري روستايي كارامد در جهت افزايش رضايتمندي آنان (در زمينه وثيقه و پرداخت حق عضويت)

4.توجه ويژه به نحوه مديريت اثربخش صندوقهاي اعتباري روستايي

5.توجه به سازوكارهاي جلب و افزايش اعتماد اعضا به يكديگر و به مسئولان صندوقهاي اعتباري روستايي

6.توجه به زمينه‌هاي سرمايه‌گذاري پربازده از طريق وامهاي دريافتي جهت تضمين توانايي بازپرداخت وامها از سوي اعضاي صندوقهاي اعتباري روستايي

7.تقويت مؤسسات مالي و اعتباري موفق و بهرمگيري از تجارب آنها

8.اولويت‌بندي مناطق روستايي براي تشكيل صندوق اعتباري روستايي بر اساس ميزان دسترسي به مؤسسات مالي و اعتباري و زمينه‌هاي توليدي و اقتصادي موجود، همگوني شغلي، اجتماعي و اقتصادي روستاييان و گرايشها و تمايلات روستاييان به تشكيل چنين صندوقهايي

9.كمك مالي دولت در مراحل ابتدايي تشكيل صندوقهاي نوپاي روستايي جهت تضمين شكلگيري آنها

10.بهرمگيري از پيوندهاي فاميلي، قومي و شغلي بين روستاييان جهت راه‌اندازي صندوقهاي اعتباري روستايي

منابع

1. اسماعيل‌پور، نويد (1379)، آشنايي با اعتبارات و منابع اعتباري، مجموعه انتشارات آموزشي شوراهاي اسلامي روستا و بخش، معاونت ترويج و مشاركت مردمي وزارت جهاد سازندگي، تهران .

2. ايران نژاد، ژيلا (1375)، سرمايه‌گذاري و اعتبارات در بخش كشاورزي ايران، مركز مطالعات و برنامه‌ريزي و اقتصاد كشاورزي، چاپ اول، تهران.

3.حق‌نيا، رامش (1381)، زمينه‌يابي صندوق اعتبارات روستايي: مطالعه موردي شهرستان ساوجبلاغ، مديريت ترويج و مشاركت مردمي سازمان جهاد كشاورزي استان تهران.

4.صياد، حسين (1379)، زمينه‌يابي صندوق اعتبارات روستايي: مطالعه موردي در روستاي واسكس شهرستان قائمشهر، مديريت جهاد سازندگي شهرستان قائمشهر، منتشر نشده.

5. طالب، مهدي (1372)، اعتبارات روستايي در ايران، انتشارات معاونت ترويج و مشاركت مردمي وزارت جهاد كشاورزي، تهران .

6. طرح توجيهي صندوق اعتبارات روستايي (1370)، دفتر مشاركت و بسيج مردمي، معاونت ترويج و مشاركت مردمي وزارت جهاد سازندگي، تهران، منتشر نشده .

7. معظمي، ميترا (1380)، اعتبارات خرد: رهيافتي براي فقرزدايي و توسعه روستايي، *ماهنامه اجتماعي ، اقتصادي توسعه روستايي و ترويج كشاورزي جهاد*، شماره 236-237.